

## غیرت‌ورزی در آموزه‌های دینی

حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی\*

### اشاره

یکی از بهترین و ارزشمندترین صفات الهی و انسانی، غیرت است. اولین وجودی که این صفت را در عالم دارد، وجود مقدس خداوند است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ»<sup>۱</sup> خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد». غیرت یعنی انسان نسبت به امور محترم، حریم‌ها و چیزهایی که مورد علاقه اوست، حساس باشد. وجود مقدس خداوند هم ناموس دارد؛ از جمله، دین خدا، احکام الهی، قرآن، اولیا و انبیای الهی، و حقوق مؤمنان، از محترمات الهی هستند که پروردگار عالم از آن‌ها دفاع می‌کند. پس اولین غیور عالم، خود خداوند است؛ و این صفت را در هر کسی، ولو مشرک و غیرمسلمان، دوست دارد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که دستور اعدام تعدادی از مشرکان که با مسلمانان جنگیده و مستحق اعدام بودند، صادر شد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند یکی از آن‌ها را نکشند. او را جدا و بقیه را

---

\* نخبه تبلیغی حوزه علمیه قم.

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۶.

اعدام کردند. او خدمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید. پرسید: «چرا مرا نکشید؟» پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «الان جبرئیل نازل شد و فرمود در تو پنج صفت هست که خداوند آن‌ها را دوست دارد: صداقت، شجاعت، سخاوت، اخلاق خوشی که با خانواده و اطرافیانت داری و «الْغَيْرَةُ الشَّدِيدَةُ عَلَى حَرَمِكَ»<sup>۱</sup>، نسبت به حرمت غیرت داری. خداوند این پنج صفت تو را دوست دارد. این صفات هر جا که باشند، ارزشمندند.» طرف که خودش را می‌شناخت، گفت: «عجب خدا و عجب پیامبری که این‌گونه از اوصافم خبر می‌دهد!»؛ و همان‌جا خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسلمان شد. او بعداً در یکی از غزوات، به شهادت رسید.

### عذاب الهی برای نداشتن غیرت دینی

خداوند بی غیرت را ولو عابد باشد، مبعوض می‌دارد. در جلد ۹۷ بحارالانوار، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل است که قومی مشمول عذاب بود و دو ملک برای عذاب آنان فرستاده شد. وقتی نازل شدند، دیدند در آن قوم، مرد زاهد و عابدی است که تضرع و مناجات می‌کند. از خداوند پرسیدند: «آیا این هم جزو کسانی است که باید عذاب شود؟» فرمود: «کار خودتان را بکنید؛ وَإِنَّ ذَلِكَ رَجُلٌ لَمْ يَتَمَعَّرْ وَجْهَهُ قَطُّ غَضَبًا لِي<sup>۲</sup>؛ این آدمی است که هیچ‌جا خشم نداشته و برای من هیچ‌جا غضب نکرده است؛ او را هم عذاب کنید که غیرت دینی نداشته است.»

### تفاوت غیرت ملی با ملی‌گرایی

ما وقتی کلمه غیرت را می‌شنویم، بیشتر غیرت ناموسی به ذهنمان می‌آید،

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۷۲.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۸۲.

ولی غیرت، اقسامی دارد. حداقل سه قسم غیرت داریم: اولین آن، غیرت ملی است که انسان نسبت به ملت، آب و خاک خود احساس مسئولیت کند. غیرت ملی غیر از ملی‌گرایی است. غیرت ملی، این است که انسان نسبت به ارزش‌ها، افتخارات، پشتوانه‌های فرهنگی و تمدنی ملت خود بی‌تفاوت نباشد. نقل شده است که «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>۱</sup>؛ این بیان، می‌تواند به همین معنا دلالت کند. دوست داشتن وطن و پاسداری از ارزش‌ها و افتخارات ملت خود، ویژگی ارزشمندی است. اما ملی‌گرایی بیشتر تعصب افراطی به ملت خود و نفی ارزش‌های ملل دیگر و تقابل با آن‌ها است.

ما سردار و سالار ملی - ستارخان و باقرخان - را می‌ستاییم که برای استقلال سرزمینمان مبارزه کردند. آن‌ها مشروطه‌خواه بودند و با استبداد داخلی می‌جنگیدند؛ اما وقتی دیدند انگلیسی‌ها در مشروطه نفوذ کرده‌اند و دارند دم از مشروطه می‌زنند، در عین مبارزه با استبداد، با انگلیسی‌ها هم مقابله می‌کردند. در آن گیر و دار که خطر حذف از طرف انگلیسی‌ها وجود داشت، از طرف کنسولگری روسیه برای ستارخان پیام آمد که اگر به کنسولگری روسیه پناه بیاوری، ما از تو دفاع می‌کنیم و او آن جمله معروف را گفت که «من زیر بیرق ابوالفضل علیه السلام هستم». ما امروز او را به عنوان یک مرد غیرتمند، تحسین می‌کنیم.

ما رئیس‌علی دلواری را تحسین می‌کنیم که با تنگستانی‌ها و دشتستانی‌های بوشهر در مقابل انگلیسی‌ها ایستاد و مردانه جنگید و به شهادت رسید. اما کسی مثل شاه سلطان حسین صفوی را بی‌غیرت می‌دانیم. او در فتنه‌ای که در ایران رخ داد و تجاوزاتی که به ایران صورت گرفت، دست روی دست گذاشت تا وقتی که محمود افغان به دروازه‌های اصفهان رسید. او به جای این‌که بایستد و دفاع کند،

۱. میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی و دیگران، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خویی)، ج ۲۱، ص ۳۹۴.

تاجش را برداشت و بر سر محمود گذاشت و دخترش را پیشکش او کرد. اگر او مقاومت می‌کرد، کشته‌ها بسیار کمتر از وقتی می‌شد که آن‌ها وارد اصفهان شدند و کشتار زیادی کردند و ننگ بی‌غیرتی هم روی او ماند.

### مصادیق تاریخی غیرت ملی

البته غیرت ملی فقط در نظامی‌گری نیست. نمونه‌ دیگر غیرت ملی، آن جوان نخبه‌ای است که برای تحصیل به خارج از کشور می‌رود و پس از اتمام تحصیل با آن‌که می‌تواند بماند و بار خود را ببندد، برمی‌گردد تا به کشور خدمت کند. غیرت‌مند آن سرمایه‌داری است که می‌تواند ثروتش را در جای دیگری سرمایه‌گذاری کند و امکانات بهتری هم داشته باشد، ولی در کشور می‌ماند و با مشکلات می‌سازد و به هموطنان خود خدمت می‌کند.

### احترام به ناموس مسلمانان و مظلومان

قسم دوم غیرت، «ناموسی» است؛ این‌که انسان نسبت به ناموس و حریم خود غیرت داشته باشد و به هیچ‌وجه به غیر اجازه ندهد وارد حریم او شود. نه فقط نسبت به ناموس خود بلکه اگر به ناموس دیگری هم تعرض شود، نباید ساکت بنشیند، اگرچه غیرمسلمان باشد.

در نهج البلاغه می‌خوانیم زمانی لشکریان معاویه به یکی از شهرهای مرزی حکومت آن حضرت تجاوز کردند. حضرت وقتی شنید خلخال از پای یک زن یهودی ربوده‌اند، فرمود اگر مسلمانی از شنیدن چنین ظلمی که بر یک زن یهودی روا شده، دق کند، او را ملامت نمی‌کنم: «مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا»<sup>۱</sup>.

۱. صحیحی صالح، نهج البلاغه، ص ۷۰.

وقتی می‌شنویم یکی از منابع درآمد داعشی‌ها فروش زنان مسیحی و ایزدی به عنوان برده جنسی است و هر زن مظلوم مسیحی یا ایزدی را هفت تا هشت هزار دلار به اسرائیل می‌فروشد، احساس انزجار می‌کنیم.

هنگامی که رضاخان قانون کشف حجاب را اجرا می‌کرد، آیت‌الله مرعشی نجفی در سن جوانی بودند. در همان ایام، روزی رئیس شهربانی قم که آدم تومند، لات و قلدری بود، وارد حرم حضرت معصومه علیها السلام شد و به قسمت خانم‌ها رفت و چادرهایشان را کشید. هیچ کس جرئت نداشت کاری بکند و فقط صدای فریاد یا اباالفضل علیه السلام یا صاحب‌الزمان عجل الله فرجه به گوش می‌رسید. وقتی آیت‌الله مرعشی وارد حرم شد و صدای فریاد شنید، پرسید: «چه خبر است؟» جواب دادند فلانی دارد چادر زن‌ها را می‌کشد. ایشان شتابان رفت و چنان سیلی محکمی به گوش او زد که برق از چشمش پرید.

### غیرت مرد و حجاب زن

امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که بی‌حیایی، بی‌عفتی و بی‌غیرتی ترویج می‌شود، ولی گاهی انسان صحنه‌هایی را می‌بیند که حاکی از کم شدن غیرت در بعضی از مردهاست. در قضیه بدحجابی باید اول یقه مرد را گرفت. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که فرمود: «ای مردان کوفه! به من خبر رسیده است که در بعضی از کوچه‌های بازار، زنان شما تنه به تنه مردان می‌زنند. شما خجالت نمی‌کشید؟ «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ؛ خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد». امیرالمؤمنین علیه السلام یقه مردان کوفه را چسبید.

اشتباهی که اکنون مرتکب می‌شویم، این است که با بلندگو فقط خانم‌ها را به حجاب فرا می‌خوانیم؛ درست این است که بلندگو به دست بگیریم و بگوییم:

آقایان! غیرت! نمی خواهم بگویم تنها دلیل بدحجابی این است. بدحجابی دلایل مختلفی دارد. گاهی جهالت، گاهی عقده‌های روانی زنان و گاهی تربیت غلط خانوادگی آن‌هاست که با پوشش نامناسب بیرون می‌آیند. گاهی هم مسأله سیاسی و دهن کجی به دین و نظام است. اما یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌حجابی، بی‌غیرتی یا کم‌غیرتی مرد است. در خانه هر زنی، برادر، پدر یا شوهری هست و اگر آنان غیرت به خرج دهند، جلوی بسیاری از این وضعیت‌ها را می‌توانند بگیرد.

خدا آیت‌الله آسید مصطفی بهشتی نژاد را رحمت کند. او از صلحای اصفهان و شوهرخواهر شهید دکتر بهشتی و پدر دو شهید بود. ایشان حدود ۴۰-۵۰ سال پیش با جمعی از مردم اصفهان، خواست از مرز قصرشیرین راهی عتبات شود. در مرز، ایشان حس کرد مأموری که پاسپورت‌ها را چک می‌کند، به بهانه این‌که می‌خواهد عکس خانم‌ها را با خودشان تطبیق بدهد، چشم‌چرانی می‌کند. کمی دقت کرد و مطمئن شد که این مأمور، چشم‌پاک نیست. وقتی نوبت به ایشان رسید و قرار شد آن مأمور پاسپورت خانم ایشان را ببیند، گفت: «این همه زن می‌آیند که عبور کنند. یک مأمور زن بگذارید که خانم‌ها را ببیند»؛ جواب داد: «نخیر، خودم باید ببینم»؛ گفت: «من نمی‌گذارم»؛ مأمور گفت: «من هم نمی‌گذارم عبور کنی». بقیه گفتند: «حاج‌آقا! یک نگاه می‌کند و رد می‌شویم»؛ ایشان گفت: «خیر، زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام مستحب است اما حفظ غیرت و ناموس، واجب. ما غیرت را از خود ایشان یاد گرفته‌ایم». ایشان یکی دو روز در قصرشیرین می‌ماند، بلکه این مأمور عوض شود یا از خر شیطان پایین بیاید؛ ولی او همان‌جا ایستاده بود و می‌گفت نمی‌گذارم بروی. ایشان هم می‌گفت ما هم نمی‌رویم. از دور سلامی به اباعبدالله علیه‌السلام کرد و با همسرشان

برگشتند و به مشهد رفتند. کاروانی‌ها رفتند و برگشتند. بعضی از آن‌ها پیش ایشان آمدند و گفتند: «حاج‌آقا! ما حاضریم ثواب این زیارتِ رفته‌مان را با زیارتِ نرفته شما عوض کنیم».

آقا زاده ایشان می‌گفت که مدتی گذشت و ایشان بیماری سختی گرفت و در سحر دوشنبه، ساعت دو و نیم نیمه‌شب، از دنیا رفت. ما مراسم گرفتیم و دو سه روز گذشت. جوانی آمد و در زد؛ پرسید: «منزل آسید مصطفی بهشتی نژاد همین جاست؟» گفتیم: «بله»؛ گفت: «پدر شما دوشنبه شب از دنیا رفت؟» گفتیم: «بله»؛ گفت: «ساعت دو و بیست دقیقه یا دو و نیم نیمه شب؟» گفتیم: «بله، همین طور است». دیدم همه جزئیات را دارد می‌گوید. پرسیدم: «چطور مگر؟» گفت: «من نه اصلاً شما را می‌شناسم و نه پدرتان را می‌شناختم، نه می‌دانستم خانه‌تان کجاست. دوشنبه سحر خواب دیدم دارم به حرم امام رضا علیه‌السلام مشرف می‌شوم و آقا دارند از حرم بیرون می‌آیند. خدمت آقا سلام عرض کردم و پرسیدم کجا تشریف می‌برید؟ حضرت فرمودند یکی از شیعیان ما در اصفهان، آقای سیدمصطفی بهشتی نژاد، موقع مرگش است. به بالینش می‌روم. از خواب بلند شدم و به ساعت نگاه کردم و دیدم دو و بیست دقیقه است. به اصفهان آمدم و پرسان پرسان پرسیدم سیدمصطفی بهشتی نژاد کیست. آدرس دادند و به خانه شما آمدم تا ببینم خوابی که دیده‌ام صادق است یا نه؛ دیدم درست است. امام رضا علیه‌السلام فرمودند یکی از شیعیان ما سیدمصطفی بهشتی نژاد است و موقع مرگش رسیده و ما باید بر بالینش باشیم».

دروود خدا بر انسان‌های باغیرت. مهم‌تر از غیرت ناموسی، غیرت دینی است؛ به این دلیل که اگر باید ناموسم برایم مهم باشد که هست، باید ناموس خدا برایم مهم‌تر باشد. ناموس خدا همان محترمات الهی است. احکام الهی،

حدود الهی، قرآن، انبیا و اولیای الهی، حقوق مؤمنان و...، جزو نوامیس الهی و جزو حقوق الله است.

### غیرت دینی و خشم برای خدا

از امیرالمؤمنین علیه السلام در غرر الحکم نقل شده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ؛<sup>۱</sup> خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داده است»؛ و اگر کسی حقوق بندگان خدا را رعایت کند، حق الله را هم رعایت کرده است: «كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى حَقِّقِ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> او می تواند حق خدا را هم رعایت کند».

در روایت هم هست که حضرت موسی علیه السلام غیور بود. آن بزرگوار وقتی ۴۰ روز در کوه طور ماند و الواح مقدس تورات بر ایشان نازل شد، به سمت قوم برگشت، دید گوساله پرست و مشرک شده اند. تعبیر قرآن این است: «الْقَى الْأَلْوَابِحَ»؛<sup>۳</sup> «الواح تورات را به طرفی انداخت»؛ و «أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ»؛<sup>۴</sup> «[موسی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید». هارون جزو انبیا بود؛ اما حضرت موسی علیه السلام موهای برادرش را گرفت و گفت چرا اجازه دادی این کار را بکنند؟ یعنی واکنش تندی نشان داد.

### خشم مقدس، ویژگی مؤمنان

مؤمن باید خشم مقدس داشته باشد. خود خدایی که أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ است، وقتی در موضع غضب قرار می گیرد، دیگر هیچ رحمی در کار نیست. در اول سوره نور، وقتی خداوند حد کسی را که مرتکب فحشا شده است بیان می کند،

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۰.

۲. همان.

۳. اعراف، آیه ۱۵۰.

۴. همان.



می‌فرماید: «الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً»؛<sup>۱</sup> «زن و مرد زناکار را به هر یک از آنان یکصد تازیانه بزنید»؛ «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> «و در دین الهی، در حق آنان دچار ترحم نشوید». دلتان برای ایشان نسوزد چون این دلسوزی، شیطانی است. اگر قرار است دلمان بسوزد، باید برای کل جامعه بسوزد که این آسیب در آن رشد نکند.

به هر حال، خشم مقدس یکی از خصوصیات مؤمن است. اگر کسی در مسائل شخصی، به اهل بیت علیهم‌السلام ظلم می‌کرد، با نهایت مدارا و عفو برخورد می‌کردند. کسی می‌آمد با کمال پررویی، چشم در چشم امام حسن مجتبی علیه‌السلام یا امام محمدباقر علیه‌السلام می‌ایستاد و دشنام می‌داد. به امام محمدباقر علیه‌السلام می‌گفت: «أَنْتَ بَقْر». اهل بیت علیهم‌السلام وقتی با چنین صحنه‌ای روبه‌رو می‌شدند، می‌پرسیدند: «آیا در این شهر غریبی؟ جا نداری؟ ما در خانه‌مان جا داریم. اگر بخواهی امشب می‌توانی مهمان ما باشی»؛ و از او پذیرایی می‌کردند؛ ولی در امور دینی و مقدسات هرگز رأفت نشان نمی‌دادند.

### قاطعیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مسائل دینی

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه ۷۴ نهج البلاغه در قضایای غصب خلافت بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً»؛<sup>۳</sup> تا وقتی که ظلم فقط به من است و امور مسلمین دارد می‌گذرد، با استخوانی در گلو و خاری در چشم، صبر می‌کنم». آن حضرت در معاشرت‌ها با افراد، نهایت مدارا را داشتند و در خانواده نهایت عفو، مسامحه و گذشت و مدارا را پیشه می‌کردند. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار نرم‌خو بودند

۱. نور، آیه ۲.

۲. همان.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۱۰۲.

و هنگامی که بعضی از همسران ایشان تندی و جسارت می کردند، به آنان لبخند می زدند، اما در جایی که پای دین و حقوق مؤمنان در میان بود، با صلابت بودند و ذره‌ای نرمش نشان نمی دادند. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ای که در جمع زنان مهاجر و انصار خواندند، فرمودند یکی از دلایلی که ابوالحسن، علی علیه السلام را کنار زدند، این بود که او «تَتَمَّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> بود؛ یعنی در جایی که پای دین در میان بود، قاطعانه عمل می کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را با جمعی به یمن فرستادند که اموالی را از آن جا جمع آوری کنند. ظاهراً سال آخر عمر پیغمبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام با آن جمع از مسلمانان به یمن می رود و اموال را جمع می کنند، سریع برمی گردند که به حج پیامبر صلی الله علیه و آله برسند. نزدیکی های مکه که رسیدند، امیرالمؤمنین علیه السلام جلوتر آمد که بتواند خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برسد. وقتی رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوب است برگردی و با بقیه بیایی». حضرت برگشت، دید کسانی که با ایشان به یمن رفته بودند، لباس هایی را که از مردم یمن گرفته بودند و متعلق به بیت المال بود پوشیده اند. امیرالمؤمنین علیه السلام به تندی فرمود: «چرا این کار را کردید؟» جواب دادند: «می خواستیم تر و تمیز بر اهل و عیال و خانواده هایمان وارد شویم»؛ حضرت فرمود: «تا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله تقسیم نکرده و سهم شما را نداده است، حق ندارید دست به بیت المال بزنید. آن ها را برگردانید». این کار حضرت خیلی به آن ها برخورد. موقعی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند، گله کردند و گفتند: «یا رسول الله! علی خیلی خشن است. حالا ما لباسی را به تن کردیم؛ چیزی نشده است». پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ارْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ شِكَايَةِ عَلِيٍّ؛<sup>۲</sup> زبانتان را از شکایت از علی به کام بگیرید»؛ «فَاتَّه

۱. ابن ابی طاهر، بلاغات النساء، ص ۳۲.

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۷۳.

حَسْبُنَا فِي ذَاتِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> اگر علی خشن و قاطع است، در راه خداست». این علی خشن است؟ این علی همان است که وقتی یتیم را می‌بیند، زانوهایش می‌لرزد. امیرالمؤمنین علیه السلام در دو جا زانوهایش می‌لرزید؛ یکی در محضر خدا و به هنگام نماز، یک وقت هم موقعی که اشک یتیم، مظلوم یا محرومی را می‌دید.

### خشیت در محضر خدا و ایستادگی در مقابل دشمن خدا

کسی که پیش خدا ضعیف باشد و گریه کند، بر دشمن خدا خشم می‌گیرد و محکم است. وجود امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه ممتاز بود. او نمونه‌ی اعلائی از انسان کامل بود؛ البته همه‌ی ائمه علیهم السلام این‌گونه بودند.

### اهمیت آبروی نظام

در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام این حَرَمَه مسؤل مالی بازار اهواز بود. ایشان شنید که او خیانت کرده و رشوه گرفته است. به محض این‌که این خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، نامه‌ای به فرماندار اهواز نوشت و فرمود «أَخْبَرَنِي عُيُونِي»؛ بازرس‌های مخفی به من خبر داده‌اند که ناظر مالی بازار اهواز، خیانت کرده است. به محض این‌که این حکم به دست رسید، او را عزل و زندانی کن و بعد هم در نماز جمعه، یعنی جایی که همه‌ی مردم او را ببینند، ۳۵ ضربه تازیانه به او بزن. چون او آبروی نظام دینی را برده است.

ممکن است بعضی‌ها در نظام دینی گاهی از روی دلسوزی بگویند اگر کسی خیانت و خطایی کرده، اسمش را نبریم و چیزی نگوییم. مسؤلان قضایی و دولتی ما وقتی آسیبی در بدنه‌ی دولت یا بعضی از افراد پیش می‌آید، آن قدر طول می‌دهند که حیثیت نظام ضربه می‌خورد و استخوان لای زخم می‌ماند. اگر

احیاناً رشوه‌ای، اختلاسی، حقوق نامتعارفی در جایی باشد، باید به آن رسیدگی کرد. اگر بی‌گناه است، از او رفع اتهام شود؛ و اگر گناهکار است، حکم خدا درباره او اجرا شود. رهبر بزرگوارمان در قضیه حقوق‌های نجومی چندین بار فرمودند که مشمول مرور زمان نشود. ممکن است قوه قضاییه اقدام هم کرده باشد؛ اما مشخص نیست. متأسفانه زمانی که نوبت به هتک حیثیت می‌رسد، همه در بوق می‌کنند، ولی زمانی که باید معلوم شود محاکمه‌اش چگونه شد، خبری نیست و درست به گوش مردم نمی‌رسد. امیرالمؤمنین علیه السلام سریع عمل کرد؛ چون خود این سرعت عمل، موضوعیت دارد.

سوده حمدانیه یک زن محبّ امیرالمؤمنین علیه السلام است. او یک وقت معاویه را به گریه در آورد و فضایل حضرت را پیش او گفت. روزی سوده بعد از نماز جمعه خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید؛ حضرت داشت ذکر می‌گفت؛ سریع تمامش کرد؛ و توجه کرد که ببیند این زن چه می‌گوید. سوده حمدانیه گفت: «آقا! در فلان منطقه‌ای که دارم زندگی می‌کنم، یکی از کارگزاران شما خیانت کرده، رشوه گرفته و بالا کشیده است. مردم هم پیچ‌پیچ می‌کنند که این چه جور حکومتی است که این طور عمل می‌کند؟» امیرالمؤمنین علیه السلام بررسی کردند و گزارش سوده تأیید شد. حضرت بلند گریه کرد و فرمود: «خدایا! شاهد هستی که بی‌خبر بودم». همان جا فوراً حکمی نوشت و معطل نکرد؛ آن را به سوده داد و گفت می‌بری در همان منطقه این را به مسئول مافوقش می‌دهی که او را از کار برکنار کند؛ او دیگر از طرف ما نیست و باید محاکمه شود. سرعت عمل، موضوعیت دارد.

### بازگشت به سنت‌های جاهلی و تهدید انقلاب

خشم مقدس و غیرت دینی یعنی این‌که در آن‌جا که نسبت به حقوق مؤمنان

و حدود الهی و نسبت به انبیا و اولیای الهی تعرضی می‌شود، انسان محکم بایستد. اباعبدالله الحسین علیه السلام در جایی به پا خاست که انحطاط در جامعهٔ مسلمین داشت کاری می‌شد؛ آن‌جا بود که غیرت دینی‌اش آن قیام باعظمت را آفرید.

یکی از خطراتی که هر انقلابی را تهدید می‌کند، ارتجاع به ارزش‌ها و سنت‌های جاهلی قبل از انقلاب است. خداوند در موارد متعددی به مؤمنان هشدار داده است. این درسی است برای امروز ما. در سورهٔ آل‌عمران می‌فرماید: «اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید یا از دنیا رفت، ﴿...يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾؛<sup>۱</sup> آیا شما به گذشته برمی‌گردید؟» مبدا به همان سنت‌های قبل برگردید. در سورهٔ مائده فرمود اگر شما از اصول و ارزش‌های دین خودتان دست بردارید و به عقب برگردید: ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾؛<sup>۲</sup> «خدا با کسی قوم و خویشی ندارد و پرچم دفاع از دین را از شما می‌گیرد و به قوم دیگری می‌دهد». پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم این را پیش‌بینی می‌کردند. ایشان در رؤیای صادقه دیدند پس از رحلتشان بعضی از بنی‌تمیم، بنی‌عدی و بنی‌امیه از منبر ایشان بالا می‌روند و مردم را به قهقرا سوق می‌دهند. خیلی نگران شدند؛ طوری که جبرئیل آیاتی را برای تسلی ایشان آورد. این احتمال می‌رفت که بعد از نهضت پیغمبر صلی الله علیه و آله خصلت‌های جاهلی زنده شود و متأسفانه همین‌طور هم شد و با انحراف از غدیر و کوتاه شدن دست امت از دامان ولی خدا و رهبر الهی، به تدریج زاویهٔ انحراف باز شد و معیارهای طاغوتی و جاهلی برگشتند. تبعیض در عرب و عجم، تبعیض در بیت‌المال به‌خصوص

۱. آل‌عمران، آیهٔ ۱۴۹.

۲. مائده، آیهٔ ۵۴.

در دوران خلیفه سوم که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، ریخت و پاش‌های فراوانی صورت گرفت و او کسانی را سر کار آورد که از حزب خودش بودند. در نتیجه، قوم و خویش‌بازی رایج شد.

زاویه انحراف به قدری باز شد که به تدریج خلافت رسول‌الله ﷺ به ملوکیت و سلطنت، تبدیل و اشرافی‌گری دوباره زنده شد و نکبت طبقه حاکم و ظالم به سوی مردم سرازیر شد و مردم هم به معیارهای دنیوی حریص شدند و حرام‌خوری زیاد شد.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا که اشقیا هلهله می‌کردند تا صدای موعظه آن حضرت به کسی نرسد، در پاسخ به حضرت زینب علیها السلام که سؤال فرمود: «برادر! چرا این‌ها این‌طورند؟» فرمود: «مَلَيْتُ بُطُونَهُمْ مِنَ الْحَرَامِ؛<sup>۱</sup> شکم‌هایشان از مال حرام پر شده است و دیگر گوششان کلام حق را نمی‌شنود». امام حسین علیه السلام با چنین وضعیتی مواجه بود. اوج انحراف از غدیر و برگشت به خصلت‌های جاهلی، در زمان یزید نمود پیدا کرد و او علناً کفر می‌گفت. امام حسین علیه السلام می‌فرمود: «مُعَلِّينَ بِالْفِسْقِ؛<sup>۲</sup> معاویه لاپوشانی می‌کرد، ولی یزید علنی کفر می‌گفت و فسق مرتکب می‌شد. سیدالشهدا علیه السلام فرمود در چنین وضعیتی فقط نامی از اسلام می‌ماند. نماز، روزه و حج هست، قرآن هم می‌خوانند، اما هیچ خاصیتی ندارد، چون جهت‌گیری به سمت خدا نیست. مگر الان در عربستان قرآن نمی‌خوانند؟ مگر حج نیست؟ مگر نماز نیست؟ اما دینی است که با شرک هم می‌سازد. نه فقط با شرک می‌سازد، بلکه به نیابت از او با مسلمین برخورد هم می‌کند. این از وهابیت و آن طرف هم شیعه انگلیسی است. او هم روضه

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

می‌خواند و سینه می‌زند، اما وهن شیعه و خدمت به شرک است. جامعه‌ای که بالای سرش رهبر الهی نباشد، دچار چنین انحرافات می‌شود. امام رضا علیه السلام در سفر به نیشابور فرمود: «مَنْ قَالَ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهَ دَخَلَ فِي حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي»؛<sup>۱</sup> اما یک شرط دارد: «بِشْرُوطِهَا وَشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»؛<sup>۲</sup> چون توحید بدون ولایت، به همین توحید وهابی کشیده می‌شود که با شرک سازگار است و جاده صاف‌کن شرک می‌شود. جامعه دینی در جایی از انحرافات مصون می‌ماند که:

۱- پیوندش با غدیر قطع نشود، چه در زمان حضور معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت.

۲- متدینانی که در آن جامعه هستند، غیرت دینی‌شان را از دست ندهند. به نظر می‌رسد تعبیر انقلابی‌گری که مقام معظم رهبری در این دو سه سال اخیر بر آن تأکید بسیار دارند، تعبیر دیگری برای همین غیرت دینی است؛ یعنی همان شاخصه‌هایی که ایشان برای انقلابی‌گری فرمودند، شاخصه‌های غیرت دینی است. وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام در چنین موقعیتی بود که فرمود: «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ»؛<sup>۳</sup> سنت پیامبر صلی الله علیه وآله مرده است؛ خصلت‌هایی که پیامبر صلی الله علیه وآله با خون دل جا انداخت، از بین رفته و معیارهای جاهلیت زنده شده‌اند. سیدالشهدا علیه السلام پس از نماز در خطبه‌ای در جمع یاران خودش و لشکریان حرّ فرمود:

۱. شهید ثانی، مسکن الفؤاد عند فقد الأعبة و الأولاد، ص ۱۵۹.

۲. همان.

۳. علی احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۳۲.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْأَعْدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ بِقَوْلٍ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ؛<sup>۱</sup> اگر کسی ببیند یک جائر و ستمگر دارد حلال خدا را حرام می‌کند، قوانین و حدود الهی را زیر پا می‌گذارد، با سنت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت می‌کند، دارد بدعت‌ها را زنده می‌کند، به مردم ظلم می‌کند و در مقابل او غیرت نداشته باشد و با گفتار و عمل جلوی او نایستد و او را عوض نکنند، او را با همان ظالم محشور می‌کنند.

بعد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در آخر خطبه‌شان فرمودند: «وَإِنِّي أَوْحَى النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ؛ من از همه به این امر سزاوارترم».